

## فشاری

### یادداشت

### کد هرمز

ایمه‌از صفحه اول

**تَبخیرثوَت**؛ ناپدیدشدن یک تریلیون دلار از بازارهای مالی در یک روز، نشان‌دهنده «فرار بزرگ سرمایه» است. سر‌ومایه‌گذاران دیگر به امنیت ادعایی آمریکا اعتماد ندارند. شاخص ترس (VIX) که روی حالت «ترس بسیار شدید» قرار گرفته، زبَان گویای بازار است؛ «غرب دیگر پناهنگاه امنی نیست».

**۲- بُعد ژئوپولیتیک؛ روسیه؛ از تحریم تا ناچی!**

یکی از شکفت‌انگیزترین فرآیزهای گزارش‌های اخیر، صدور مجوز ۳۰روزه آمریکا برای خرید نفت روسیه است. این یعنی «اعتراف رسمی به شکست». واشنگتن که سال‌ها تلاش کرد روسیه را منزوی کند، اکنون برای جلوگیری از بزین ۱۰ دلاری، به سمت مسکو دست دراز کرده است. این پارادوکس نشان می‌دهد که ایران توانسته است چنان گره کوری در بازار انرژی ایجاد کند که تنها راه بازکردن آن، زیر پا گذاشتن تمام خطوط قرمز قبلی از طرف کاخ سفید است. با این حال، حتی نفت روسیه هم توانست جلوی صعود قیمت‌ها را بگیرد؛ چراکه مشکل «کمبود انرژی نیست، بلکه «نامالی مسیر» است.

**۳- امنیت خلیج فارس؛ دویی و پایان افسانه «بهشت مالی»**

خروج شرکت‌های بزرگی نظیر PwC و Deloitte و سستی‌بانک از دویی و قطر، به معنای تغییر نقشه‌تجاری جهان است. دویی که ده‌ها خود را به عنوان «سوئیس خاورمیانه» معرفی می‌کرد، اکنون تحت سایه پیمانهای ایرانی، امنیت خود را از دست‌رفته می‌بیند. تعطیلی شعب بانکی یعنی قطع شدن جریان‌های مالی که پروژه‌های بلندپروازانه شیخ‌نشین‌ها را تغذیه می‌کرد. هدف قرار گرفتن مرکز مالی دویی، پیامی روشن داشت: «امنیت در منطقه، یکجایی یکپارچه است؛ یا برای همه، یا برای هیچ‌کس».

**۴- موازنه نظامی؛ جنگ «ارزان در برابر گران»**

سقوط هوایمای سوخت‌رسان KC-۱۳۵ با ارزش ۶۵ میلیون دلار در برابر پیماندهایی که هزینه تولیدشان به اندازه یک خودرو معمولی است، نشان‌دهنده تغییر ماهیت جنگ‌هاست. ارتش آمریکا با تمام ناوگان‌های هواییمابر و سیستم‌های پاتریوت خود، اکنون در وضعیت «کیش و مات»، قرار گرفته است. اعتراف پنتاگون به دست‌کم گرفتن توان ایران در انسداد تنگه هرمز، یعنی محاسبات ژنرال‌های غربی براساس داده‌های قدیمی بوده است. وقتی ۶۵۰ کشتی در دو سوی تنگه متوقف شده‌اند و نیروی دریایی آمریکا از اسکورت حتی یک نفتکش سر باز می‌زند.

**۵- مهندسی معکوس قدرت؛ «فیلتربتگ هوشمند» در قلب آبراهه‌ها**

نکته طلایی در گزارش‌های اخیر، رفتار متمایز ایران در قبال نفتکش‌های عراقی و سایرین است. پیام سفیر ایران در بغداد مبنی بر اجازه عبور به تانکرهای عراقی، نشان‌دهنده یک «مدیریت گزینشی و هوشمند» است. ایران از انسداد فیزیکی و مطلق، به سمت «حاکمیت قانونی و امنیتی» حرکت کرده است. این یعنی تهران اکنون تعیین می‌کند که کدام اقتصاد در دنیا نفیس بکشد و کدام‌یک با سکنه مواجه شود. این «فیلتربتگ انرژی» ضربه‌ای کاری‌تر از بستن کامل آب است؛ زیرا باعث ایجاد شکاف در جبهه متحد غربی-عربی-عاشق‌ها را به سمت مذاکره مستقیم و دوجانبه با ایران، خارج از چتر حمایتی آمریکا، سوق می‌دهد.

**۶- پارادوکس بازار داخلی؛ اقتدار، ارز را ارزان کرد**

درحالی‌که جهان در آتش نفت صد دلاری و تورم حمل‌ونقل می‌سوزد، سقوط قیمت تتر به کانال ۱۴۲ هزار تومان در بازار ایران (با افت دو درصدی در اوج بحران)، پیامی بسیار مهم برای تحلیلگران دارد. این پدیده نشان‌دهنده «اشباع» ارز است. بیایم ببینیم چرا این اتفاق افتاده است. برخلاف دهه‌های گذشته که هر تیش نظامی باعث جهش نرخ ارز می‌شد، اکنون بازار داخلی به این باور رسیده است که «دست بترت نظامی»، خود تضمین‌کننده ثبات اقتصادی است. مردم و معامله‌گران دررفته‌اند که وقتی دشمن در موضع انفعال قرار دارد و توان اسکورت کشتی‌های خود را ندارد، ریسک جنگ مستقیم علیه خاک ایران به‌شدت افزایش یافته است.

این «آرامش در توفان»، بزرگ‌ترین بیروزی در جنگ روسی است.

**۷- بن‌بست ترامپ‌بیس؛ نفت یا سقوط سوانی**

ترامپ اکنون با واقعیتی تلخ مواجه شده است: «نفت، رای می‌آورد یا رای می‌برد». بزین شش دلاری در ایالت‌های کلیدی آمریکا، یعنی پایان زود هنگام ماه‌عسل سیاسی او. اعتراف شبکه MSNBC به اینکه «نمی‌توان هم‌زمان جنکید و سوخت را ارزان نگه داشت»، چپکیده بحران کاخ سفید است. آزادسازی ذخایر استراتژیک (SPR) که اکنون در بدترین وضعیت ۳۰ سال اخیر است، نه یک راهکار، بلکه یک «خودزنی استراتژیک» برای خرید زمان است. این ذخایر که باید برای روزهای مبادا (مانند جنگ جهانی) حفظ می‌شدند، اکنون برای جریان سوم‌مدیریت ترامپ در قبال ایران در حال بلعیده‌شدن هستند.

**۸- سناریوهای پیش‌رو؛ نظم نوین یا ورشکستگی جهانی**

اگر این وضعیت برای دو ماه دیگر ادامه یابد (چنان‌که بلومبرگ پیش‌بینی کرده)، نفت ۱۳۰ تا ۱۵۰ دلاری، ساختار اقتصادی ناتو و اتحادیه اروپا را در درون متلاشی خواهد کرد. جنبش‌های اعتراضی در اروپا که هم‌اکنون جرقه خورده‌اند، به‌زودی به توفانی سیاسی تبدیل خواهند شد که دولت‌های فعلی را با خود خواهد برد. دنیا در آستانه پذیرش یک حقیقت جدید است: «امنیت انرژی جهانی، بدون رضایت و مشارکت ایران، سرابی بیش نیست». خروج مشاوران اقتصادی بین‌المللی از دویی، پیش‌درآمدی بر مهاجرت گسترده سرمایه‌ها به سمت قطب‌های قدرت جدید در شرق است.

مجموع این داده‌ها نشان می‌دهد که ما در لحظه «کیش و مات هژمونی» هستیم.

- آمریکا** درگیر پارادوکس «قدرت نظامی یا رفاه داخلی» شده است.
- اروپا در آستانه سرمای اقتصادی و اعتراضات اجتماعی است.
- منطقه در حال تخلیه از نفوذ مالی غرب است.
- ایران، با تسلط بر شیر اطمینان جهان (تنگه هرمز)، نه‌تنها تحریم‌ها را بی‌اثر کرده، بلکه هزینه تقابل را برای دشمن به مرحله «پرداخت‌شدنی» رسانده است.

### واقعیت و سراب مجازی

ایمه‌از صفحه اول

یادتان هست در اعتراضات ۱۴۰۱ و شعار «دیکه تمومه ماجرا» آتهایی که جهان را از پنجره شبکه‌های مجازی می‌دیدند، واقعا این وعده را باور می‌کردند و کار را تمام‌نشده می‌دیدند و مطلقا هر سخنی که می‌گفت واقعیت بیرونی چیز دیگری است، نمی‌پذیرفتند. در داستان غمبار دی‌ماه گذشته نیز مثل همه موارد دیگر در شبکه‌های مجازی، هرکس فقط آن چیزی را می‌دید که دوست داشت ببیند و ترامپ نیز به‌عنوان یک مبتلای به شبکه مجازی، غیر از همان که می‌خواست به دولت‌های شبکه‌های مجازی نمی‌دید و شبکه مجازی به او نشان می‌داد که کار تمام است و برای همین بود که باور داشت کافی است تا رهبر انقلاب را تارو کند تا مردمی که او در شبکه‌های مجازی می‌بیند، بیابند و کار را تمام کنند. ولی رهبر انقلاب را به شهادت رساندند، اما خبری از آن مردمی که به آنها امید بسته بود نشد. آیا داستان شبکه‌های مجازی و دنیایی که برای ما می‌سازند، همان ماجرای ضرب‌المثل فارسی است که می‌گوید «خود گوئی و خود خندی، عجب بد هنرمندی» است؟ نمی‌دانم؛ ولی هرچه هست، وقتی فقط آنچه دوست داریم بشویم و ببینم را می‌شویم و می‌بینیم، نتیجه می‌شود همین. فرق هم نمی‌کند یک آدم یک‌لا قبای معمولی باشی یا مردی که سکان قدرتمندترین ارتش تمام تاریخ را به دست گرفته‌ای. در هر صورت، آنچه را می‌بینی که ربط چندانی به واقعیت بیرونی ندارد، با نهایتا فقط بخشی از واقعیت بیرونی است؛ یعنی همان بخشی که خودت دوست داری واقعیت داشته باشد.

سقوط سئو

## روایت رضا شیرازی از حذف گسترده سایت‌های ایرانی از نتایج جست‌وجوی گوگل

## از قطع اینترنت در اسفند تا تجربه ۲۰روزه قطع اینترنت در دی‌ماه؛ روایت رضا شیرازی از حذف گسترده سایت‌های ایرانی از نتایج جست‌وجوی گوگل

# سقوط سئو

**سویتا سراب‌پور؛ قطع اینترنت از نهم اسفند تاکنون و بعد از ۱۴ روز:** برای بسیاری از مردم و کسب‌وکارهای آنلاین ایرانی فقط به معنای قطع ارتباط با دنیا و کندی یا اختلال موقت نیست؛ این بار، به شکل جدی‌تری اقتصاد دیجیتال کشور دچار ضربه شد. دراین‌میان سئو به‌عنوان ستون فقرات دیده‌شدن کسب‌وکارها در فضای دیجیتال، مستقیما هدف قرار گرفته. آن‌هم در شرایطی که در حال بلندشدن از خسارات قطعی ۲۰روزه اینترنت در دی ماه بود. درواقع تجربه‌ای که پیش‌تر در به‌ساز ۲۰روزه قطع اینترنت از ۱۸ دی تا ۷ بهمن‌ماه رقم خورده بود، حالا دویساره به دنبال جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران و قطع اینترنت خود را به شکلی عمیق‌تر تکرار می‌کند. رضا شیرازی، از فعالان باسابقه حوزه سئو، در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد که در آن دوره، طیف هفت روز نخست، با قطع کامل دسترسی کاربران و گوگل، ترافیک ارگانیک سایت‌های داخلی تقریبا به صفر رسید و در ادامه، با مسدودماندن دسترسی ربات‌های گوگل به سرورهای داخل ایران، فرایند خروج تدریجی صفحات از نتایج جست‌وجو آغاز شد؛ رخدادی که نه‌تنها باعث افت شدید بازدید و فروش شد، بلکه ساختار ایندکس و اعتبار بسیاری از وب‌سایت‌های ایرانی را برای ماه‌ها مختل کرد. به گفته او، حتی پس از بازگشت نسبی اینترنت، بخش درخورتوجهی از صفحات هنوز به نتایج گوگل بازنگشته‌اند و بازسازی کامل سئو، بسته به نوع سایت، به سه تا چهار ماه زمان نیاز دارد. این تجربه نشان می‌دهد که قطع اینترنت، فراتر از یک شوک کوتاه‌مدت، نوعی «تحریم داخلی» علیه سئوی ایران است؛ تحریمی که با هر بار تکرار، اعتماد کسب‌وکارها به سرمایه‌گذاری دیجیتال را فرسوده‌تر می‌کند و اثرات آن، بسیار طولانی‌تر از خسود روزهای قطعی باقی می‌ماند. با رضا شیرازی بنیان‌گذار وب ۲۴، سئو ۲۴ و جت سئو درمورد اثرات قطع اینترنت روی سئو و نتایج گوگل گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

- 
- 
- 

**۴ در روزهای قطع اینترنت، میانگین افت ترافیک ارگانیک سایت‌ها و همچنین مشتریان شما چند درصد بود؟ آیا داده‌ای دارید که نشان دهد بازگشت ترافیک بعد از اتصال اینترنت چقدر زمان برد؟ اصلا ترافیک بازگشته است؟**

افت بازدیدی که برای وب‌سایت‌ها رخ داد، چند مرحله مشخص و چند رخداد متفاوت را در بر می‌گرفت. در کام نخست، طی سه هفت روز ابتدایی قطع اینترنت، نه دسترسی گوگل به وب‌سایت‌های اینترنت برقرار بود و نه کاربران به گوگل دسترسی داشتند؛ در نتیجه، ترافیک ورودی از طریق گوگل در همه صنایع و تقریبا همه وب‌سایت‌ها به طور کامل متوقف شد. تنها استثنا مربوط به وب‌سایت‌هایی بود که از خارج از ایران دسترسی دریافت می‌کردند. پس از پایان این هفت روز، دسترسی کاربران داخل کشور به گوگل برقرار شد، اما در مقابل، دسترسی گوگل به وب‌سایت‌های میزبانی‌شده در داخل ایران همچنان مسدود باقی ماند. به بیان دیگر، با نوعی «بازگشایی یک‌طرفه» مواجه بودیم؛ وضعیتی که عملا کمکی به فعالیت خزنده‌های گوگل نمی‌کرد. از ابتدای قطع اینترنت در ۱۸ دی، به دلیل دسترسی نداشتن ربات‌های گوگل به وب‌سایت‌های داخلی، این موتور جست‌وجو به‌تدریج صفحات این سایت‌ها را از نتایج خود خارج کرد. این روند در طول دوره قطعی که حدود ۱۹ روز طول کشید، به طور کامل اتفاق افتاد و همه سایت‌هایی که از سرور داخلی استفاده می‌کردند، با این مشکل مواجه شدند به گونه‌ای که تعداد درخورتوجهی از صفحات آنها از نتایج جست‌وجو حذف شد.

در مقابل، برخی وب‌سایت‌هایی که سرور آنها خارج از ایران قرار داشت، تا این مسئله رویبر نرشدند. با این حال، در طول این ۱۹ روز، کاربران داخل کشور عملا امکان مشاهده این سایت‌ها را نداشتند.

**۴ کسب‌وکارهایی که نیاز به جست‌وجوگر و فعال بودن براساس الگوریتم‌های سئو دارند، در این مدت چه کار کردند؟**

شماری از کسب‌وکارها به این رهاکار جدیدی روی آوردند؛ راهکاری مبتنی بر استفاده هم‌زمان از یک سرور داخلی و یک سرور خارجی و ایجاد نسخه آینه‌ای (Mirror) میان آنها، به گونه‌ای که در زمان قطعی، کاربران داخل ایران از طریق سرور داخلی به سایت دسترسی داشته باشند و ربات‌های گوگل نیز بتوانند نسخه میزبانی‌شده در خارج از کشور را مشاهده و ایندکس کنند. این راهکار اگرچه کم‌هزینه نیست، اما وجود دارد و برخی وب‌سایت‌ها پس از این تجربه به سمت اجرائی آن حرکت کرده‌اند.

**۴ آیا با وجود اتصال قطره‌ای اینترنت و محدودیت شدید ترافیک سایت‌ها بازگشته؟ وضعیت آنها در گوگل حالا عادی است؟ اصلا هنوز شرایط عادی شده است؟**

در مجموع، آنچه رخ داد، خروج گسترده صفحات وب‌سایت‌ها مختلف از نتایج گوگل بود؛ اتفاقی که لطمه‌ای جدی به کسب‌وکارها وارد کرد. حتی در حال‌حاضر نیز برخی از این صفحات هنوز به نتایج جست‌وجو بازنگشته‌اند و تبعات این وضعیت ادامه دارد. برآورد من این است که بازگشت کامل شرایط به وضعیت پیشین، بسته به نوع سایت، ممکن است حدود سه تا چهار ماه زمان ببرد؛ چراکه خزنده‌های گوگل با سرعت‌های متفاوتی صفحات را حذف و مجددا ایندکس می‌کنند. ازاین‌رو برای برخی وب‌سایت‌ها این روند سریع‌تر و برسر برخی دیگر طولانی‌تر خواهد بود. در نتیجه، اثر این رویداد صرفا محدود به دوره قطعی اینترنت نیست و تبعات آن دست‌کم برای چند ماه بر کسب‌وکارها باقی خواهد ماند.

**۴ از بین سایت‌های فروشگاه‌ای که با آنها کار می‌کنید، میانگین کاهش فروش چقدر بود؟**

آمار دقیقی از حجم فروش همه مشتریان در اختیار ندارم؛ با این حال، درباره چند وب‌سایت محدودی که اطلاعات فروش آنها را دارم، میزان افت فروش در حدود ۷۰ درصد بوده است. این کاهش فروش همچنان ادامه دارد و هنوز به سطح عادی بازنگشته است. در طول این مدت، در گفت‌وگو با مدیران کسب‌وکارها، مختلف اینترنتی نیز تقریبا روایت مشترکی وجود داشت؛ اغلب آنها از کاهش ۵۰درصدی فروش و درآمد خود سخن می‌گفتند، هرچند ارقام اعلام‌شده در هر کسب‌وکار

## روایت رضا شیرازی از حذف گسترده سایت‌های ایرانی از نتایج جست‌وجوی گوگل

## از قطع اینترنت در اسفند تا تجربه ۲۰روزه قطع اینترنت در دی‌ماه؛ روایت رضا شیرازی از نتایج جست‌وجوی گوگل

## از قطع اینترنت در اسفند تا تجربه ۲۰روزه قطع اینترنت در دی‌ماه؛ روایت رضا شیرازی از نتایج جست‌وجوی گوگل

# سقوط سئو



متفاوت بود. طبیعتا این داده‌ها را نمی‌توان به کل بازار تعمیم داد، زیرا اطلاعات من محدود به چند وب‌سایت مشخص است؛ اما در مجموع، کاهش محسوس حجم فروش در فضای تجارت آنلاین رخ داده و این روند هنوز به وضعیت پیشین بازنگشته است.

**۴ در این شرایط چه درصدی از کسب‌وکارها بعد از قطعی مجبور شدند بودجه سئو را کاهش دهند یا پروژه را متوقف کنند؟**

در حوزه خدمات سئو نیز بسیاری از شرکت‌ها بودجه‌های خود را متوقف کرده‌اند. اگر بخواهم به طور مشخص درباره مجموعه خودمان صحبت کنم، حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد از کسب‌وکارها فعالیت‌خود را در این حوزه متوقف کرده‌اند. دلیل اصلی این تصمیم، صرفا خود قطعی اینترنت نیست، بلکه انبهام درباره آینده نبود اطمینان برای سرمایه‌گذاری بر بستر اینترنت است. هر بار که اینترنت قطع می‌شود، کسب‌وکارهایی که برای بازاریابی دیجیتال خود بودجه تخصصی داده‌اند، با تردیدهای جدی مواجه می‌شوند که آیا این فضا همچنان بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری است یا خیر. این بی‌ثباتی، لطمات سنگینی به آنها وارد می‌کند و در نتیجه بسیاری ترجیح می‌دهند فعالیت‌های خود را متوقف کنند؛ به‌ویژه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که فشارهای بیشتری را متحمل می‌شوند و ناچارند این تبعات را با منابع محدودتری مدیریت کنند. **۴ در زمان قطعی اینترنت آیا فقط ترافیک افت کرد یا نرخ تبدیل به هم کاهش یافت؟ رفتار کاربر در آن بازه چه تغییری کرد؟**

به طور کلی می‌توان گفت نرخ فروش یا همان حجم فروش کسب‌وکارها کاهش یافته است. هم‌زمان با این روند، میزان ترافیک وب‌سایت‌ها نیز افت کرده است. با این حال، کاهش نرخ تبدیل یعنی تبدیل بازدیدکننده به خریدار، به نظر می‌رسد بیش از آنکه ناشی از مسائل فنی یا صرفا محدودیت‌های اینترنتی باشد، تحت تأثیر عوامل بیرونی و شرایط کلی حاکم بر فضای اقتصادی و اجتماعی است. در وضعیت فعلی، آنچه مشاهده می‌شود، تغییر رفتار مصرف‌کنندگان است. مردم تمایل کمتری به هزینه‌کرد دارند و نگاه‌شان کوتاه‌مدت شده است. با این فرض که ممکن است در آینده نزدیک شرایط بحرانی یا حتی جنگی پیش‌رو باشد، بسیاری تلاش می‌کنند هزینه‌های خود را به‌شدت کاهش دهند و از خرید بسیاری از کالاها و خدمات صرف‌نظر کنند. طبیعی است که در چنین فضایی، به‌ویژه درمورد کالاهایی که ضروری محسوب نمی‌شوند، حجم فروش به شکل درخورتوجهی افت می‌کند. نکته درخورتوجه این است که حتی با وجود آنکه در حال‌حاضر به نظر می‌رسد وضعیت اینترنت در مقایسه با دوره قطعی، ثبات بیشتری پیدا کرده، سطح فروش همچنان پایین باقی مانده است. بسیاری از کسب‌وکارها هنوز به سطح فروش پیشین بازنگشته‌اند و به طور کلی می‌توان گفت بخشی از جامعه در حالت انتظار قرار دارد؛ مردم دست نگه داشته‌اند تا ببینند شرایط پیش‌رو به چه سمتی خواهد رفت و همین تعلیق، بازار را در وضعیت رکودی نگه داشته است.

**۴ آیا در داده‌های سرچ کنسول مشتریان، افت Crawl Rate مشاهده کردید؟ چه تعداد صفحه از ایندکس خارج شد؟ آیا سایت‌هایی داشتید که رتبه‌های صفحه اول را کامل از دست بدهند؟**

سازوکار گوگل در مواجهه با این شرایط به این صورت است که هرگاه صفحات یک وب‌سایت برای آن قابل دسترس نباشد، به‌تدریج آنها را از نتایج جست‌وجوی خود خارج می‌کند و در اصطلاح، صفحات از ایندکس خارج می‌شوند. بازگشت این وضعیت به حالت عادی نیز ممکن است مدتها درخورتوجهی زمان ببرد. بدیهی است، شناسی که صفحات از ایندکس خارج می‌شود، عملا از نتایج جست‌وجو نیز حذف خواهد شد. در دوره قطع اینترنت و همچنین در مقطع دوم از قطعی اینترنت -زمانی که دسترسی کاربران به گوگل برقرار شده بود اما دسترسی گوگل به سرورهای داخل ایران همچنان مسدود بود- شاهد بودیم که بسیاری از وب‌سایت‌ها از نتایج جست‌وجو خارج شدند. دراین‌میان، برخی سایت‌های کمتر شناخته‌شده که نرخ خزش پایین‌تری داشتند، موقتا در رتبه‌های بالاتر نتایج ظاهر شدند؛ چراکه گوگل هنوز متوجه قطع دسترسی آنها نشده بود. از سئوی دیگر، برخی وب‌سایت‌ها که به دلایلی ازجمله رانت یا ارتباطات خاص، دسترسی سرورشان به اینترنت قطع نشده بود، رشد درخورتوجهی در نتایج تجربه کردند و رتبه‌های بالاتری را به دست آوردند. مجموعه این عوامل باعث شد نظم نتایج جست‌وجو به طور محسوس تغییر شود. افزون بر این، زمانی که گوگل چندین بار به یک وب‌سایت مراجعه می‌کند و آن را غیرقابل دسترس می‌یابد، به‌تدریج نرخ خزش بلندمدت نگاه می‌کنند، (Crawl Rate) آن سایت را کاهش می‌دهد. این مسئله پیامد مهمی دارد؛ حتی پس از بازگشت دسترسی، اگر آن وب‌سایت محتوای جدیدی منتشر کند، گوگل با تاخیر بیشتری متوجه آن خواهد شد و فرایند ایندکس‌شدن نیز کندتر پیش می‌رود. به

صورت کلی این مجموعه رخدادها موجب اختلال جدی در وضعیت ایندکس و رتبه‌بندی وب‌سایت‌ها در نتایج گوگل شد؛ مشکلی که متأسفانه برای برخی سایت‌ها همچنان ادامه دارد و صفحات آنها هنوز به جایگاه پیشین خود در نتایج جست‌وجو بازنگشته است.

**۴ به طور میانگین رتبه کلمات مهم چند پله افت کرد؟ آیا سایت‌های خارج از ایران در برخی حوزه‌ها جایگزین سایت‌های ایرانی شدند؟**

رتبه کلمات کلیدی نیز با افت درخورتوجهی مواجه شد، به‌ویژه در حوزه‌هایی که وب‌سایت‌های دارای نرخ خزش بالاتر حضور داشتند. در این موارد، همان نرخ خزش بالا که در شرایط عادی یک مزیت محسوب می‌شود، به نقطه ضعف تبدیل شد؛ زیرا گوگل سریع‌تر متوجه عدم دسترسی به صفحات این سایت‌ها شد و در نتیجه، حذف آنها از نتایج با سرعت بیشتری اتفاق افتاد. همین مسئله به افت محسوس رتبه‌ها منجر شد. معمولا وب‌سایت‌های قدرتمندتر که حجم محتوای بیشتری تولید می‌کنند، روی کلمات کلیدی رقابتی نیز جایگاه دارند. به‌همین‌دلیل با بروز این اختلال، جابه‌جایی نتایج در این دسته از سایت‌ها گسترده‌تر و محسوس‌تر بود. بخشی از این رتبه‌ها در حال‌حاضر بازیابی شده و شرایط تا حدی به وضعیت عادی بازگشته است؛ با این حال، درمورد برخی وب‌سایت‌ها به‌ویژه آتهایی که تعداد صفحات بسیار زیادی دارند، هنوز بخشی از صفحات به نتایج بازنگشته‌اند و به تبع آن، جایگاه کلمات کلیدی نیز همچنان دستخوش تغییر است.

**۴ در این قطعی تاوجه به بلایی که بر سر سئو ایرانی آمد، آیا اینکه وب‌سایت‌هایی در خارج از ایران، هاست شده هم آسیب دیده‌اند؟**

وب‌سایت‌هایی که سرور آنها خارج از ایران قرار داشت، طبیعتا با مشکل خزش و ایندکس مواجه نشدند و از منظر سئو آسیب به‌مراتب کمتری دیدند. تنها آسیبی که متوجه آنها شد، قطع کامل ترافیک کاربران داخل کشور در دوره اختلال بود؛ به این معنا که در این بازه زمانی عملا بازدیدی از سوی مخاطبان داخلی دریافت نکردند. با این حال، از آنجا که این سایت‌ها از داخل ایران قابل دسترس نبودند، همین موضوع نیز تبعات خاصی خود را داشت و به‌طور طبیعی منجر به توقف یا کاهش شدید فروش آنها شد. همان‌طور که در بخش‌های پیشین اشاره شد، برخی وب‌سایت‌های بزرگ‌تر به راهکاری ترکیبی روی آورده‌اند؛ استفاده هم‌زمان از سرور داخلی و سرور خارجی. در این مدل، با بهره‌گیری از سازوکارهایی مشابه شبکه‌های توزیع محتوا (CDN)، ترافیک داخلی و خارجی را در دو سرور مجزا هدایت می‌شود؛ به‌گونه‌ای که کاربران داخل کشور به نسخه داخلی و ربات‌های موتورهای جست‌وجو به نسخه خارجی دسترسی داشته باشند. این راهکار، هرچند مستلزم هزینه و زیرساخت فنی پیشرفته‌تری است، اما می‌تواند در سناریوهای مشابه آینده، از بروز اختلالات گسترده در ایندکس و دسترسی جلوگیری کند و ریسک وب‌سوارکار را کاهش دهد.

**۴ به صورت کلی اینکه وب‌سایت ایرانی از CDN خارجی استفاده کند، تغییری در آسیب و خسارت ناشی از قطعی اینترنت برایش ایجاد می‌کند یا کلا قطعی و فیلتربتگ تفاوتی در اینکه وب‌سایتی خارج از کشور باشد یا داخل کشور ندارد؟**

بله، استفاده از CDN‌های خارجی عملا کمکی به بهبود وضعیت اینترنتی ریزا در شرایط قطع یا محدودیت دسترسی، ارتباط با سرورهای خارج از کشور دچار اختلال بود و این زیرساخت‌ها نیز کارایی مؤثری نداشتند. از سوی دیگر، CDN‌های داخلی که امکان اتصال و همگام‌سازی با خارج از ایران را نیز فراهم می‌کنند، آنها هم در این دوره با مشکل و اختلال مواجه شدند و نتوانستند راه‌حل پایدار ارائه دهند. در نتیجه، اتکا به شبکه‌های توزیع محتوا -چه خارجی و چه داخلی- در آن مقطع نتوانست مانع از بروز آسیب‌های گسترده در دسترسی، خزش و ایندکس وب‌سایت‌ها شود.

**۴ درآمد شرکت‌های سئو در این مدت چند درصد افت کرد؟ آیا موح فسخ قرارداد داشتید؟ آیا کسب‌وکارها به سمت تبلیغات کلیکی رفتند یا کل مارکتینگ را فریز کردند؟**

بازار خدمات سئو در زمان‌های قطع اینترنت روزهای بسیار دشواری داشت و دارد. بسیاری از افراد فریلنسر که در این حوزه فعالیت می‌کردند و با من در ارتباط بودند، بخش قابل توجهی از پروژه‌های خود را از دست داده‌اند و اکنون جویای کار هستند. فریلنسرها بخش بزرگی از این بازار را تشکیل می‌دهند و افت فعالیت آنها، تأثیر مستقیم بر کل اکوسیستم سئو داشته است. همچنین تعدادی از نیروهای سئو که در شرکت‌ها مشغول به کار بودند، تعدیل شده‌اند و بنابراین تعداد افراد جویای کار در این حوزه به نسبت گذشته به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. آژانس‌های سئو نیز آسیب‌های قابل توجهی دیده‌اند. برای مثال، در مجموعه خود، ما حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از مشتریان ترجیح دادند همکاری خود را ادامه ندهند. علاوه بر این، مشکلاتی در زمینه پرداخت‌های معوق وجود دارد و بسیاری از مشتریان پرداخت‌های خود را به‌موقع انجام ندادند. شدت این مشکل بسته به نوع مشتریان هر شرکت متفاوت است. به طور کلی، شرکت‌های کوچک و متوسط که تمرکز بازاریابی خود را به‌طور عمده بر سئو گذاشته‌اند، در چنین شرایطی آسیب‌پذیری بیشتری دارند؛ چراکه در مواجهه با اختلالات گسترده، بازاریابی آنها عملا متوقف می‌شود و توان تاب‌آوری بلندمدت کافی ندارند. این شرکت‌ها بیشتر تحت فشار قرار گرفته و آسیب می‌بینند، در حالی که مجموعه‌هایی که کانال‌های بازاریابی متنوع دارند

یا سئو را به عنوان سرمایه‌گذاری بلندمدت نگاه می‌کنند، توانسته‌اند فشارها را تا حدی مدیریت کنند. **گفت‌وگوی کامل را در وب‌سایت «شرق» بخوانید.**

**ادامه دارد**

**ادامه دارد**

### فن بیبز

**ادامه دارد**

**روایت استارت‌آپ هندی و تلاش برای عدالت آموزشی دیجیتال وقتی معلم‌ها صاحب پلتفرم می‌شوند**

در یک دهه اخیر، هند به یکی از جذاب‌ترین مقصدها برای راه‌اندازی و رشد استارت‌آپ‌ها تبدیل شده است. ترکیب جمعیت جوان، بازار بزرگ داخلی، رشد سریع فناوری و حمایت‌های دولتی باعث شد این کشور امروز به‌عنوان سومین اکوسیستم بزرگ استارت‌آپی جهان شناخته شود.

در چنین بستری، استارت‌آپ‌های آموزشی نقش پررنگی در تغییر شیوه یادگیری ایفا کرده‌اند. یکی از نمونه‌های موفق این جریان، استارت‌آپ Classplus است؛ پلتفرمی که با تمرکز ویژه بر معلم‌ها، تلاش می‌کند آموزش آنلاین را عادلانه‌تر، ساده‌تر و در دسترس‌تر کند.

**Classplus؛ پلتفرمی که معلم در مرکز آن قرار دارد**

Classplus یک پلتفرم آموزشی دیجیتال است که به طور اختصاصی برای معلمان طراحی شده است. برخلاف بسیاری از سامانه‌های آموزشی که بیشتر بر دانش آموز یا مؤسسات تمرکز دارند، Classplus ابزارهایی را در اختیار معلم‌ها قرار می‌دهد تا بتوانند کسب‌وکار آموزشی مستقل خود را مدیریت و توسعه دهند.

درحال حاضر، بیش از ۸۰ هزار معلم در این پلتفرم فعال هستند و محتوای آموزشی خود را به صورت آنلاین ارائه می‌کنند. این محتوا شامل ویدئوهای آموزشی، کلاس‌های زنده، آزمون‌ها، تکالیف و برنامه‌های درسی متنوع است. از سوی دیگر، بیش از پنج میلیون دانش‌آموز از خدمات این پلتفرم استفاده می‌کنند.

معلم‌ها در Classplus می‌توانند:

- کلاس‌های آنلاین برگزار کنند
- محتوای آموزشی خود را بارگذاری و مدیریت کنند
- برای دانش‌آموزان تکلیف تعریف کرده و عملکرد آنها را ارزیابی کنند
- آزمون‌های آنلاین برگزار کنند
- با دانش‌آموزان و والدین در ارتباط مستقیم باشند
- پرداخت‌ها را در بستری امن مدیریت کنند

این ارتباط سه‌جانبه میان معلم، دانش‌آموز و والدین یکی از ویژگی‌های کلیدی Classplus محسوب می‌شود.

**ادبای که از دل نیاز معلم‌ها شکل گرفت**

داستان Classplus به سال ۲۰۱۸ بازمی‌گردد؛ زمانی که ماکال راستاگی، وستال راستاگی، یکش داش، بیهاسوات آکاروال و نیخیل گونسل تصمیم گرفتند استارت‌آپی را راه‌اندازی کنند که تمرکز اصلی آن، حل مشکلات واقعی معلم‌ها باشد.

ماکال راستاگی، از بنیان‌گذاران Classplus، درباره انگیزه شکل‌گیری

این ایده می‌گوید: «هدف من این بود که به معلم‌ها کمک کنم کسب‌وکار آموزشی خودشان را بسازند و رشد دهند. بزرگ‌ترین چالش ما در ابتدا این بود که محصولی طراحی کنیم که واقعا پاسخ‌گوی نیازهای متنوع معلمان باشد. برای رسیدن به یک راه‌حل کارآمد، بارها مسیرمان را تغییر دادیم و آزمون و خطا کردیم». در مسیر توسعه محصول، تیم Classplus به یک مشکل مهم دیگر هم رسید:

دانش‌آموزان به‌سختی می‌توانستند معلمان باکیفیت با دوره‌های آموزشی مناسب را به صورت آنلاین پیدا کنند. همین موضوع باعث شد تیم تلاش کند پلتفرمی بسازد که هم برای معلم‌ها و هم برای دانش‌آموزان ارزش واقعی ایجاد کند.

**آموزش آنلاین، اما فراتر از یک کلاس مجازی**

Classplus صرفا یک ابزار برگزاراری کلاس آنلاین نیست؛ بلکه یک پلتفرم جامع مدیریت آموزش محسوب می‌شود. معلم‌ها و مؤسسات آموزشی می‌توانند تمام فرایندهای آموزشی خود را، از تولید محتوا تا ارزیابی دانش‌آموزان، در یک محیط یکپارچه انجام دهند. یکی از مهم‌ترین ارزش‌هایی که بنیان‌گذاران Classplus بر آن تأکید دارند، ایجاد عدالت آموزشی است.

**ادامه دارد**

**ادامه دارد**